

سخن فصل

ظرفیتهای سیاسی برنامه هسته‌ای ایران

الف

در شرایطی که نظام بین‌الملل و قدرتهای بزرگ تنها به چالشهای برنامه هسته‌ای ایران بر منافع خود توجه می‌کنند، یک مسئله مهم نباید فراموش شود و آن اینکه، چگونه ظرفیتهای سیاسی مذاکرات هسته‌ای ایران زمینه‌های نزدیکی روابط و شناخت بیشتر جامعه بین‌المللی از ایران را فراهم کرده است؛ امری که می‌تواند به عنوان یک فرصت در استفاده از نقش سازنده ایران در حل بحرانهای منطقه‌ای به کار گرفته شده و آغازی برای شروع روند «تنش زدایی» در روابط ایران با قدرتهای بزرگ به خصوص آمریکا باشد. یکی از چالشهای جدی در روند مذاکرات هسته‌ای ایران که مورد ادعای تحلیل‌گران این حوزه بوده، عدم شناخت جامعه بین‌المللی از ساخت و ماهیت قدرت و سیاست در ایران و اهداف و اولویتهای ایران در برنامه هسته‌ای بوده است. از این لحاظ، روند گفت و گوها در سه جهت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به فهم بهتر مسایل ایران کمک کرده است.

ظرفیتهای سیاسی برنامه هسته‌ای در سطح داخلی

در سطح داخلی و در درجه نخست، برنامه هسته‌ای به عنوان یک موضوع قدرت ملی و متعادل کننده ساختار داخلی قدرت مطرح شده است. این امر بیش از هر چیز به تقویت نقش «دولت ایرانی» در روند توسعه و پیشرفت کشور بر می‌گردد. طی یکی دو قرن گذشته، منتقدان همواره دولت ایرانی را مقصر و دلیل اصلی عدم پیشرفت و افزایش ثروت و قدرت ملی ایران در نظر می‌گرفتند. برنامه هسته‌ای ایران از این لحاظ هم زمان نقطه پیشرفت

تکنولوژیک، غرور و انسجام ملی و تقویت هویت و تلاش منطقه‌ای و جهانی جامعه ایرانی به حساب می‌آید. امری که به تقویت مشروعیت دولت در ایران کمک می‌کند. بر همین اساس، تمامی گروه‌های داخلی صرف نظر از هر گرایش سیاسی خواهان تداوم مواضع محکم ایران در روند گفت و گوهای هسته‌ای و تأکید بر حفظ «چرخه مستقل سوخت هسته‌ای» هستند. به عبارت دیگر، برنامه هسته‌ای اصلاح طلب یا اصول گرا ندارد، یک خط دارد و آن خط «منافع ملی» است. از این لحاظ، دولتهای مختلف همگی با توجه به شرایط زمانی متفاوت و حساسیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی، در پیشبرد روند مذاکرات نقش سازنده و مثبت داشته‌اند.

در درجه دوم، روند گفت و گوهای هسته‌ای به نوعی منجر به تقویت دموکراسی در روند تصمیم‌گیری هسته‌ای در درون نهادهای قدرت و سیاست در ایران شده است. این امر بیش از هر چیز در حفظ تعادل در روند تصمیم‌گیری و پیشبرد مذاکرات هسته‌ای در نهادهای تصمیم‌گیرنده ساخت قدرت داخلی از جمله نهادهای رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای امنیت ملی و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی مشهود بوده است. از جمله ویژگیهای این روند می‌توان به هماهنگی بیشتر بین نهادها با تمرکز بر حفظ مصالح و امنیت ملی کشور، ساخت چندلایه‌ای و سوپاپ‌های اطمینان بخش و متعادل کننده در روند تصمیم‌گیری و کاربرد عقلانیت و نگاه راهبردی به برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد. به عنوان مثال، نوع واکنش به بسته‌های پیشنهادی جامعه بین‌المللی از آغاز بحران هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ و ارایه بسته پیشنهادی و مستقل ایران نشانگر عزم راسخ ایران به پی‌گیری برنامه هسته‌ای با ویژگیهای فوق می‌باشد.

فراتر از این مسئله، هم‌گرایی ملی در موضوع هسته‌ای ایران به نوعی منجر به نزدیکی و همکاری، تقویت نقش و استقلال نهادهای قدرت و سیاست در ایران شده است. امری که می‌تواند به عنوان یک مدل تصمیم‌گیری در سایر امور مهم سیاست خارجی و امنیت ملی از جمله مسئله عراق، لبنان، فلسطین و افغانستان به کار گرفته شود. مثال بارز در این زمینه تقویت نقش مجلس شورای اسلامی و شورای امنیت ملی به عنوان دو نهاد تکمیل کننده یکدیگر در روند گفت و گوهای هسته‌ای است. این امر یک پیام جدی برای جامعه بین‌المللی

دارد و آن اینکه، جمهوری اسلامی ایران به مسایل امنیت و منافع ملی خود با رویکرد راهبردی می‌نگرد.

در نهایت در سطح داخلی، برنامه هسته‌ای ایران منجر به نزدیکی دولت و مردم در یک موضوع مهم سیاست خارجی و روابط بین‌المللی شده است. ورود یک مسئله تخصصی سیاسی-راهبردی به حوزه افکار عمومی منجر به تقویت استفاده از نقش مردم و افکار عمومی در روند تصمیم‌گیری و پشتیبانی از یک مسئله ملی در نزد نخبگان سیاسی ایران شده است. همچنین حمایت جامعه ایرانی از تداوم برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای نشان داد که تا چه حد مردم ایران در حفظ منافع مشروع و توسعه قدرت ملی در برابر فشارهای خارجی مقاومت می‌کنند. درسی که از این تجربه آموخته می‌شود، این است که تا چه اندازه اهمیت دادن به نقش مردم در پیشبرد اهداف راهبردی ملی و تنظیم روابط بین‌المللی می‌تواند مفید و کارساز باشد.

ج

ظرفیتهای سیاسی برنامه هسته‌ای ایران در سطح منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای، برنامه هسته‌ای ایران به نوعی منجر به شیفت پارادایمی در جهت سیاست خارجی ایران و تأکید بیشتر بر منافع راهبردی و مسایل قدرت و امنیت ملی در تنظیم روابط منطقه‌ای شده است. یکی از ظرفیتهای برنامه هسته‌ای، به خدمت گرفتن مهم‌ترین ابزارهای قدرت ملی ایران یعنی ژئوپلیتیک و ایدئولوژی از طریق حضور فعال در بحرانهای منطقه‌ای (افغانستان، عراق، لبنان) و ائتلاف با دولت‌ها، احزاب و گروه‌های دوست در سطح منطقه برای پیشبرد اهداف راهبردی و منافع ملی ایران بوده است.

از سوی دیگر، ضرورت تقویت توان دفاعی کشور برای حفظ امنیت نیروگاههای هسته‌ای، مسئله توسعه راهبردهای امنیت و دفاع ملی را در سیاست منطقه‌ای ایران تقویت کرده است. از این لحاظ، راهبرد «امنیت به هم پیوسته» که براساس آن ناامنی برای ایران به معنای ناامنی برای منطقه خواهد بود، یکی از راهبردهای موفق دفاعی برای حفظ امنیت برنامه هسته‌ای ایران بوده است. تمرکز این راهبرد نیز بر منطقه خلیج فارس می‌باشد. این امر به نوبه خود مسایل خلیج فارس را در اولویت مسایل امنیت و منافع ملی ایران قرار داده است. همچنین با حضور فعال ایران در بحرانهای منطقه‌ای، ابزارهای چانه‌زنی ایران در

مسائل سیاسی - امنیتی منطقه و بنابراین قدرت بازیگری در روند گفت و گوهای هسته ای با بازیگران منطقه ای و جهانی تقویت شده است.

با توجه به موارد فوق، چند تجربه مهم در شناخت بیشتر ایران از سوی بازیگران منطقه ای قابل دستیابی است. نخست اینکه، ایران در برابر هرگونه ماجراجویی نظامی خارجی از سوی آمریکا و اسرائیل نسبت به برنامه هسته ای خود که با کمک بازیگران منطقه ای صورت پذیرد از طریق ابزارهای تدافعی و ظرفیتهای سیاسی - امنیتی خود در منطقه دست به تلافی خواهد زد. دوم اینکه، منطقه وجود یک ایران قوی و دارای نقش در ائتلافهای منطقه ای را تجربه می کند و اینکه ایران تا چه حد برای حفظ منافع و امنیت ملی خود به مسایل و بحرانهای منطقه ای با رویکرد استراتژیک می نگرد. در نهایت، شناخت بیشتر بازیگران منطقه ای از ساخت قدرت و سیاست در ایران، روند تصمیم گیری و ظرفیتهای چانه زنی و همچنین شناخت از اهداف و خواسته های واقعی و صلح آمیز دولت و ملت ایران از برنامه هسته ای می تواند زمینه های نزدیکی و همکاری ایران با کشورهای منطقه در حل و فصل مسائل سیاسی امنیتی منطقه ای به خصوص در عراق و لبنان و روابط هم زمان دو طرف با قدرتهای خارجی به خصوص با آمریکا را فراهم کند.

ظرفیتهای سیاسی برنامه هسته ای در سطح بین المللی

در نهایت، در سطح بین المللی و در روابط با قدرتهای بزرگ، برنامه اتمی ایران و روند گفت و گوهای هسته ای به عنوان یک مسئله راهبردی و جهانی، ظرفیتهای سیاسی جدیدی در روابط ایران با قدرتهای بزرگ وارد کرده است. در روابط با آمریکا، صرف نظر از چالشهای موجود، برنامه هسته ای فرصتی برای آغاز گفت و گوهای مستقیم و ورود به مسیر «تنش زدایی» میان دو طرف پس از ۳۰ سال از آغاز انقلاب اسلامی بوده است. از این حیث، موضوع هسته ای ایران تنها موضوع راهبردی است که ظرفیتهای سیاسی لازم برای ورود مستقیم به گفت و گوهای راهبردی بین ایران و آمریکا را دارد. این امر نه تنها در مذاکرات هسته ای، بلکه در نزدیکی برای حل و فصل بحرانهای منطقه ای از جمله بحران عراق (سه دور مذاکرات) و مشارکت جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات صلح افغانستان بسیار مؤثر بوده

است. ظرفیتهای جدید برای ورود به تنش زدایی مبتنی بر تمایل و امتناع هر دو طرف به ضرورت آغاز گفت و گوهای مستقیم بوده است. در طرف آمریکایی، ورود ایران به یک مسئله مهم راهبردی و جهانی و آثار آن بر منافع منطقه ای و جهانی آمریکا و همچنین افزایش نقش منطقه ای ایران بر روندهای صلح و ثبات منطقه ای در عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین، ضرورت گفت و گو و ادغام ایران در مسایل منطقه ای را در نزد تصمیم گیران آمریکایی اجتناب ناپذیر کرده است. در طرف ایرانی نیز قرار گرفتن در یک موضع قوی و برابر و خودباوری در مقابل آمریکا در مسایل منطقه ای، تمایل به آغاز گفت و گوی مستقیم با آمریکا را افزایش داده است. نگرانی سنتی در ایران همواره این بوده که گفت و گو در شرایط نابرابر به ضرر ایران خواهد بود. همچنین تصور آمریکا به عنوان مهم ترین قدرت خارجی تأثیرگذار بر روند مذاکرات هسته ای ایران به نوعی زمینه های لازم برای تعامل با آمریکا را در ساخت قدرت داخلی ایران فراهم کرده است. این امر نشان می دهد که در روند گفت و گوهای هسته ای دیدگاه تصمیم گیرندگان ایرانی واقع بینانه تر شده است. نتیجه این امر، ورود جمهوری اسلامی ایران به گفت و گوهای مستقیم با آمریکا در مذاکرات وین و سپس مذاکرات ژنو در ماههای آخر سال ۲۰۰۹ بوده است.

در روابط با اتحادیه اروپا، برنامه هسته ای ایران یک محک جدی برای جایگاه و نقش اتحادیه اروپا در نزد تصمیم گیرندگان ایرانی بر مسایل سیاسی و راهبردی منطقه ای و جهانی بوده است. روند گفت و گوهای هسته ای برای نخستین بار اتحادیه اروپا را فراتر از رویکرد اقتصادی وارد یک مسئله مهم سیاسی - راهبردی در منطقه خاورمیانه کرده و به همان اندازه نقش اتحادیه اروپا را در دیدگاه استراتژیک منطقه ای ایران افزایش داده است. هر چند روند گفت و گو بین دو طرف چالشهایی همچون توقف کوتاه مدت غنی سازی و عدم توان اتحادیه در وفاداری به قول و قرارها داشته، اما بی تردید تأکید این اتحادیه بر استفاده از «دیپلماسی» و «اهرم زمان» نقش موثری در ایجاد تعادل در رویکرد سیاست خارجی ایران و امتناع طرف ایرانی برای تداوم حضور در مسیر گفت و گوها و تعامل داشته است. یک دیدگاه ایرانی، در واکنش به مواضع سرسختانه اروپا به خصوص با توجه به مواضع سیاسی این اتحادیه نسبت به وقایع بعد از انتخابات ریاست جمهوری بر علیه ایران و تشدید فشارها برای اتخاذ تحریمهای

جدید، معتقد به ضرورت اتخاذ سیاست و مواضع سخت ایران علیه اتحادیه اروپا و تضعیف نقش این اتحادیه در پرونده هسته‌ای ایران است؛ یک مثال عمده، حذف نقش فرانسه در معامله جابه‌جایی سوخت هسته‌ای بین ایران و غرب است. همچنین بعضی از دیدگاهها در ایران خواهان خروج ایران از گفت‌وگو با اتحادیه اروپا هستند. مجلس شورای اسلامی نیز در چند مورد خواستار تجدید نظر در روند گفت‌وگوها با اتحادیه اروپا شده است.

همچنین تعامل با اتحادیه اروپا تأثیر مهمی بر افزایش شناخت دو طرف از ظرفیتهای سیاسی یکدیگر داشته است. در حال حاضر، اتحادیه اروپا برعزم راسخ ایران بر تداوم برنامه صلح آمیز هسته‌ای، ظرفیتهای برنامه هسته‌ای به عنوان یک موضوع ملی و یا ظرفیت و آمادگی ایران برای مقاومت در برابر تحریمها پی برده و از ابتدای بحران استفاده از دیپلماسی را تنها راه حل و فصل این موضوع در نظر می‌گیرد؛ نکته‌ای که آمریکا بعد از چند سال به آن رسیده است و خواستار حضور در مذاکرات ۱+۵ شده است.

در نهایت، برنامه هسته‌ای ایران در روابط با روسیه و چین نیز نقطه عطفی در فهم بیشتر ظرفیتهای سیاسی و استراتژیک این دو کشور در مسایل جهانی در نزد تصمیم‌گیرندگان ایرانی می‌باشد. نگاههای غالب در ایران اساساً روسیه و چین را بازیگران منفعت‌محور و غیرقابل اتکا در نظر می‌گیرند، اما روند مذاکرات هسته‌ای نشان داد که ایران می‌تواند از نقش بازدارنده این دو بازیگر در شرایط خاص تهدید و افزایش فشارهای جهانی همچون تصویب تحریمهای سازمان ملل استفاده کند. هر چند مواضع روسیه با نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری روسیه و نیاز مدودوف رییس جمهوری فعلی به ائتلاف با غرب و آمریکا نسبت به ایران سخت‌تر شده، اما گرایش سنتی روسیه هر چند با فراز و نشیب همچنان بر حفظ استقلال در راهبردهای ملی و تقویت نقش ایران در موضوع هسته‌ای است. مواضع چین نیز به دلیل منافع گسترده اقتصادی با ایران همچنان بر استفاده از ابزار دیپلماسی در حل مناقشه و جلوگیری از اعمال تحریمهای جدید استوار است. در تازه‌ترین تحول در ژانویه ۲۰۱۰، چین مخالفت آشکار خود را با اعمال تحریمهای جدید علیه ایران در مذاکرات نیویورک اعلام داشته است. بی‌تردید دو کشور روسیه و چین به همراه ایران در جلوگیری از روند یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی در مسایل جهانی و اهداف راهبردی منطقه‌ای در اغلب موارد

دارای منافع مشترک هستند. از سوی دیگر، مذاکرات هسته‌ای این واقعیت را برای ایران آشکار کرد که قدرتهای بزرگ همچون روسیه و چین منافع ملی خویش را مقدم بر سایر عوامل قرار می‌دهند. یک مثال آشکار، بهبود روابط روسیه و آمریکا با روی کار آمدن اوباما در آمریکا است که به نوعی راه اندازی نیروگاه بوشهر یا تحویل سیستم دفاع موشکی به ایران را به تأخیر انداخته است. از این لحاظ، برنامه هسته‌ای ایران به نوبه خود فرصتی فراهم کرد تا ایران نیز ارزیابی دقیق و واقع‌گرایانه‌ای از دامنه و درجه حمایت روسیه و چین از ایران در صحنه نظام بین‌الملل داشته باشد.

ز

نتیجه‌گیری

برنامه هسته‌ای ایران ظرفیتهای جدید سیاسی در فهم بیشتر از ساخت قدرت و سیاست در ایران و ویژگیهای روند تصمیم‌گیری و اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران در منطقه نزد جامعه بین‌المللی و قدرتهای بزرگ فراهم کرده است. روند گفت‌وگوهای هسته‌ای همچنین نشان داد که تا چه اندازه برنامه هسته‌ای ایران ریشه در ژئوپلیتیک، تاریخ، هویت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران دارد و تا چه اندازه تصمیم‌گیرندگان و جامعه ایرانی حاضر به مقاومت برای پیشبرد صلح‌آمیز این برنامه هستند. امری که می‌تواند به تنظیم واقع‌گرایانه سیاست‌گذاریهای جامعه بین‌المللی و به خصوص آمریکا در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران منجر شود و بر مفید بودن ابزار دیپلماسی در روند گفت‌وگوها صحه بگذارد. طی دهه‌های گذشته مهم‌ترین روندهای تنش‌زدایی بین دولتها بعد از یک دوره سخت و پرتنش و به دنبال پذیرش نقش برابر در گفت‌وگوها صورت گرفته است. مثال بارز تنش‌زدایی، در روابط آمریکا با چین و روسیه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی است. برنامه هسته‌ای ایران نیز فرصت‌گران‌بهایی برای تنش‌زدایی در روابط ایران با آمریکا و جامعه بین‌المللی است؛ امری که می‌تواند به سایر حوزه‌ها همچون همکاری دو طرف در حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای نیز کمک نماید.

